



Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

Introverted or extroverted?

1.1. The Christian Faith is extroverted

1.2. Which are the Good Works that are directed to the outside?

2. From where do I receive strength? Plug in!

Conclusion

مقدمه: درون گرایی یا بی تعصبی و اجتماعی بودن؟

1. ایمان مسیحی امری است که انسان در آن بی تعصب و اجتماعی می باشد

1.2. حال چه اعمال خوبی وجود دارد که در بیرون تاثیر می گذارد؟

2. من این نیرو را از کجا می آورم؟

پایان





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

My Fellow Christians here at the 9th Lutheran Church Assembly!

What kind of type are you, an introvert or an extrovert?

Introverts are usually with-drawn, reserved in dealing with other people and rather shy. In the presence of other people they prefer to stay in the background.

An extrovert on the other hand is outgoing and likes to engage with other people. Extroverts are convivial and sociable and enjoy interacting with others.

مقدمه: ای عزیزان اجتماع ما

آیا تو یک آدم درون گرا هستی یا یک شخص بی تعصب و اجتماعی ؟

دم های درون گرا خودشان را از جامعه دور نگه می دارند و به خود می نگرند. و همیشه در پشت هر موضوعی قرار می گیرند ولی آدم های بی تعصب همیشه مایل به ارتباط با دیگران هستند.

ولی آدم های بی تعصب همیشه مایل به ارتباط با دیگران هستند. آدم های بی تعصب اجتماعی و مردم دوست و با قابلیت ارتباطی بالایی هستند





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

The Swiss psychiatrist Carl Gustav Jung was the first to describe these personality types.

Let's test this.

If I would leave this pulpit now and go to select a person in the assembly to ask them...

well, maybe you're thinking: "I hope he doesn't come and choose me,"

well, then you're more likely to be the introverted type.

But when you were thinking: "I hope he notices me," then you're likely the extroverted type.

این دو مقوله را Carl Gustav Jung روانشناس سویسی به نام تشریح کرده است.

ما می توانیم الان امتحانی انجام بدهیم.

من اگر دفتر خودم را الان ترک بکنم و در کلیسای خودم دنبال آدمی بگردم و از او سوالی بکنم...

اگر در این حالت تو اگر دوست داشتی که من به سوی تو نیایم . تو دیگر یک آدم درون گرا و گوشه گیر هستی. ولی تو با خود گفتم شاید من سراغ تو بیایم؟ اینگونه پس تو یک آدم روباز هستی.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

Most people seem to have something of both in them.

I believe we all enjoyed our wonderful fellowship these days here in Erfurt and at the same time appreciated times for quiet reflection.

Both are important; they are necessary for our spiritual life.

خیلی از آدم ها این دو را در خود دارند.

جمع Erfurt من فکر می کنم امروز که ما همه در اینجا در شهر شده ایم هم هر دو نکته در ما صدق می کند. ما از طرفی در اینجا از دور هم بودن لذت می بریم و از طرفی هم ما بی صدا و بی حرف در کنار هم نشسته ایم.

این دو امر در زندگی روزمره ما صدق می کند و ما به آنها نیاز داریم.



Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

1.1. The Christian faith is extroverted.

That's how Jesus is to be understood here in the Sermon on the Mount, and he uses three examples.

“You are the light of the world.”

Light is extroverted. It shines towards the outside and is difficult to hide. Light spreads out, and during the day it would be most difficult to uphold the darkness.

And Jesus continues: “A city set on a hill cannot be hidden.”

1.1 ایمان مسیحی یک امر گشاده رویی در آن وجود دارد.

برای همین ما در اینجا سه مثال عیسی را که در موعظه کوه گفته است را متوجه بشویم.

شما نور جهان هستید.

نور یک واکنشی است که به بیرون حرکت می کند و خود را به همه جا پخش می کند و سخت است که آن را محدود کنیم. نور همیشه در همه جا در زندگی روزمره وجود دارد و این سخت می باشد که یک تاریکی بوجود آوریم.

عیسی می گوید که شهری که در بالای کوه قرار دارد نمی تواند گنهان بماند.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

His listeners, of course, were thinking of Jerusalem.

A city like Jerusalem, situated more than 700 meters high, can't be hid.

And that's the way it is with an oil lamp that was lit in the house at Jesus' time for the night. It was put on a grain basked or on a lampstand so that all would be able to see as they sewed or carved or read.

This section could therefore be translated: You are extroverts; Christians do not hide; they work towards the outside.

آن شنوندگان عیسی در اینجا به یاد شهر اورشلیم افتادند.

یک شهری که بالای 700 متر قرار داشته باشد نمی تواند پنهان بماند. این امر همانند قرار دادن چراغ نفتی در خانه ها بود که در آن زمان ها مردم از نور کم آن می توانستند حداقل کمی ببینند و بخوانند و کاری انجام بدهند.

ما می توانیم این بخش را اینگونه متوجه بشویم: شما یک انسان بیرون گرا هستید و مسیحیان اجتماعی هستید و به بیرون از خود حرکت می کند.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

1.2 Jesus then tells us how this happens: “Let your light shine before others, so that they may see your good works and give glory to your Father who is in heaven.”

1.2 عیسی در ادامه می گوید: اجازه بدهید که همانطور نور شما
روشنایی ایجاد می کند اتفاق بی افتد. تا شما حاصل کار نیکوی خود
را ببینید و خدای پدرتان را ستایش کنید.



Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

My fellow Celebrants! Good works are not doing so well these days.

On Ascension Day I met Johannes in Hannover. He is a Christian and from Eritrea. Proudly he reached out to me with his right hand to greet me. Other parishioners told me that when Johannes arrived his right arm was almost immovable because it had been crushed by the butt of a gun.

But now he was able to move his arm and his hand after a number of operations. Was that a good work that many people did for Johannes?

ای مهمانان عزیز ما اعمال زیاد خوبی در اینجا نمی بینیم.

در روز صعود عیسی به آسمان من با یوحنا در شهر هانوفر دیدار کردم. یوحنا یک انسان مسیحی است و از کشور اریتریه می آید. او دست راست خودش را به سوی من آورد تا با من سلام کند. عضوهای کیسا این را برای من تعرف کردند که در زمان ورود یوحنا به اینجا او دچار یک بیماری استخوانی در قسمت دست راست خودش بود. و او نمی توانست آن را تکان بدهد.

ولی اکنون او بعد از عمل های زیادی می تواند دوباره دست خودش را تکان دهد. آیا اینجا یک عمل خوبی تمام انسان ها برای یوحنا انجام داده اند؟





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

Or was that merely what goody-goody people had done? Was it simply part of an “industry” that tries to prevent the removal of illegal immigrants? What is the truth in this case?

The topic of “church asylum” and “Help for Refugees” with the back ground of what good works are has been intensely discussed here in Erfurt in our congregations.

Last March a number of intellectuals, publicists and authors published a “Joint Declaration” that dealt with immigration.

What should be our reaction as Lutheran Christians?

ایا اینها ادم های خوبی بودند و یا ان قمستی از حقه ای برای جلوگیری از اخراج او به کشورش بود؟ کدام درست است؟

موضوعی به نام اجتماعی برای Erfurt ما در این چند روز و در شهر پناهنده ها و کمک به مهاجران داریم. که درباره ان بحث می کنیم.

در ماه مرتس گذشته جمعی از روشنفکران و دولتمردان و نویسندگان موضوعی با نام نشستی برای پناهنده ها در معرض عموم قرار دادند.

ما به عنوان یک اعضای کلیسای لوتری چه چیزی را باد در انجا رعایت کنیم. ؟





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

Is there a differentiation on the one hand between love for the neighbour and only after that for the one not so near?

Or to ask in the words of Jesus: Which are the good works that shine in the darkness?

We live in uncertain and disturbing times - at least that is my impression.

How can we arrive at any kind of clarity?

The answer is twofold: If you want to know what are good works, follow your conscience.

And certainly those who bear responsibility for others need a conscience.

آیا فرقی میان محبت کردن شخصی نسبت به شخص دیگر وجود دارد؟

یا با کلمات عیسی این سوال را بپرسیم: چه چیز روشنی در پشت همه این همه اعمال خوب قرار دارد؟
ما امروزه در زمان ناامن و پر تنش زندگی می کنیم.
من البته اینگونه فکر می کنم.

ما چگونه می توانیم به حقیقت برسیم؟

جواب این سوال به دوگونه است: اگر تو می خواهی بدونی که چه اعمالی خوب هستند باید به وجدانت مراجعه کنی.

و همچنین کسی که مسئول افراد دیگر می باشد بایستی به وجدان خودش مراجعه کند.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

For instance, when a politician has to choose between two more or less wrong decisions, then he has to act responsibly and in accord with his conscience. That is the one side.

But what is frequently forgotten today, something Lutherans should never forget:

Conscience too is subject to sin.
Conscience can err.
It can be misled.

Therefore it must apply the standard of God's word.

برای مثال اگر یک سیاستمداری برای انتخاب راهی از چند راه اشتباه ابتدا بایستی او مسئولیت اینکار را بپذیرد و بعد به وجدان خودش مراجعه نماید. و این همان نکته می باشد.

چیزی که تقریباً همه ان را فراموش می کنند را اعضای کلیسای لوتر ان را از یاد نمی برند:

یعنی قرار گرفتن وجدان زیر سایه گناه.
این میتواند منجر به خطا شود.
و امکان دارد که به راهی اشتباه هدایت شود.

بنابراین همه اینها بایستی در راستای کلام خداوند باشند. وگرنه امکان دارد که اعمال خوبی که من انجام می دهم در راه نادرستی قرار گیرد و به اشتباه بکار آید و باعث بدی گردد.



Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

Yes, what we consider the good works we're doing can be leading us in the wrong direction and end in disaster.

If our conscience can err, and if our good works can lead to bad results in these disturbing times, then we need to apply God's word as the standard by which to go.

In such disturbing times let us in our church and in our congregations make a re-newed effort to consult the holy Scriptures, the Bible to hone our conscience. Let us with increased humility and attention attend to the word of God.

And only then follow your biblically oriented conscience in your good works in responsibility to-wards your fellow man.

وقتی که وجدان ما در راه اشتباه قرار گیرد و اگر اعمال ما در این زمانه نا امن باعث بدی بشوند ، باید همه امور ما به سمت کلام خدا هدایت شوند.

اگر وجدان گمراه شود، اگر کارهای بد ما در این زمان مزاحم کارهای خوب ما شوند، پس به کلام خدا نیاز داریم

اجازه بدهید که ما با تواضع خاصی و با دقت دنبال کلام خدا باشیم. تو باید با در نظر گرفتن اعمال خوبت دنبال کلام خدا باشی تا رابطه ای از مسئولیت پذیری در قبال انسان های دیگر را بیابی. بگذارید بیشتر در فروتنی و توجه به کلام خدا پردازم.

کارهای خوب را از نظر خدا دنبال کنید. و بعد از آن به مسئولیت انسانی خود برسید.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

2. Dear Members of this Assembly! Those among us who are more extroverted are perhaps now thinking: "Yes, let's do good works!

And then our light will shine in this country!"
Those more of an introvert nature might be thinking:
"We're supposed to do that, too!

I hardly know how to get all my other tasks done and he is talking about good works that shine."

2. عزیز، در حال حاضر انسانها بیرونگرای فکر می کنند: "بله،
بیاید با کارهای خوب روبرو شویم!"

و بدین ترتیب نور ما در همه جا آشکار می شود.
خیلی از آدم های درون گرا هم به این فکر می کنند که: این هم باید
بشود

اعمال خوب ما همانند یک نور بدرخشد. من از عهده این همه
تکالیف خودم برنمایم. ولی او اینجا می گوید





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

My fellow Introverts! Jesus Christ is not laying a new burden on you.

In fact, it's quite different.
It's like the floor lamp in your living room.

By the way, when the Evangelist talks about "shining", then he uses the word λαμπω ; that's where our word "lamp" comes from.

When you pull the plug, the light goes out.
When you re-plug, the lamp goes on.

عیسی در اینجا بار دیگری بر دوش هیچ کسی نمی گذارد.

و این یک چیز کاملاً متفاوتی می باشد.
این همانند چراغ سرپای منزلتان می باشد.

وقتی که انجیل نویس ما در اینجا کلمه لامپ را می نویسد همنظور همان چراغ است.

که اگر این چراغ را از برق بیرون بکشی خاموش می شود.
و اگر دوباره این چراغ را به برق بزنی آن دوباره روشن می گردد.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

And that's the way it is with Christians. All our energy, whatever shines in our life, all our good works are coming out of the power of Jesus.

After all, Christ said: "I am the light of the world."

So, plug in! With the plug in the source you'll shine because you hear the word of Jesus.

When we now celebrate holy communion, plug in! The plug is connected. Jesus' power is ready to flow into your life so that you may shine.

And the plug was al-ready connected in your baptism.

این عمل هم در ما مسیحیان هم همینگونه عملی می شود. ما هر نیروی که برای روشنایی داریم همه از نیروی عیسی می آید.

عیسی می گوید که من نور جهان هستم.

وقتی که تو دوشاخه را به برق بزنی تو روشن می شوی یعنی تو کلام عیسی را می شنوی

الان هم ما می خواهیم این سیم رابط را به عیسی در مراسم نان و شراب خودمان وصل کنیم و نیروی که برای روشناییمان در زندگیمان نیاز داریم را بدست آوریم.

و این اتصال از زمان غسل تعمید تو می باشد.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

Conclusion: And then you'll be going home from this assembly strengthened and comforted, to do what needs to be done.

You no longer need to keep worrying whether your good works are really good; rather you follow your conscience in responsibility for the people around you. Don't worry about sin or whether what you're doing is right or wrong
–

در پایان تو بعد از همه این اتفاقاتی که در این روزها رخ داده است دوباره به خانه ات برمی گردی. و با قدرتی فراوان دوباره کارهای خودت را انجام می دهی.

تو دیگر با خودت فکر نمی کنی که اعمال خوب تو آیا تاثیر گذار بوده یا نه. بلکه تو در زمان مسئولیتی که در قبال دیگران داری به وجدان خودت مراجعه می کنی و برای گناه و اینکه کارت درست و یا غلط بوده با خودت درگیر نمی شوی.





Predigt Bischof Hans-Jörg Voigt, Hannover

because the plug is connected!
because Christ is in you,
because he goes along in your everyday life,
because he is the light and shines in your life,
because he shines through you.

Everything shines because Christ is here!

Amen

زیرا این سیم رابط متصل است.
زیرا او تو را در زندگی ات همراهی می کند.
زیرا مسیح در تو است.
زیرا او تو را در زندگی ات همراهی می کند.
زیرا او نور روشنایی است و زندگی تو را روشن می کند.

زیرا او از درون تو می درخشد.

آمین

